

جای ادار و کتبا

سر دبیر سر غلامحسین سالی

مخاطبات و مکاتیب

بعضان میل باشد

فومن . جنگل

مراه چهار نره طبع و توزیع خواهد

کتب نمره هفت شاهی

کتابخانه

۱۳۳۵

شماره پنجم زمی حبه الحوام ۱۳۳۵

تخصیص اجرت لایحه و طلا

خصوصی با و فراداد است

مکاتیب بدون مضامین

و عنوان پذیرفته نشود

و جاسزاک بعد از شماره درج شود

قیمت اسرک

بجمله ۵۰۰۰۰

این روزنامه فقط نمایان حقوق ایرانیان و منور افکار اسلامیان است

مدیر مسئول حسین کجانی

قول را فعل لازم است

د عطف با سنی ، البته فارین عظام ما در نظر دارند که در شماره اول این جریده پس از ملاقات نمایندگان استیاد اسلام با نمایندگان کینه کار نیزون و صاحب منصب قوشون دکر اسی رودیه دگیا زجر جازده ، در فومن و وعده های ساعده که داده بودند در خواست فعلیت نموده نظر شدیم که وفا بعهده خود نمایند .

مع التاسف آنها مواعید صمیمانه انعکاس دیگری شده کرده بجای تقویت و ایفای عهد و شکنجه ایران و غمزه اردوینه آتش گرفت ، فردین نهارت همدان غارت شد اغلب نقاط ایران بعضی چپاول درآمد قوشون تخته در در روس که بایک حواریت حیرت آور بر ایرانیان را مرت با و ده اخوت نموده بودند بنامی محبت را سنگ غارگری و ادت شکست تفت الهام و مانرزم

زندگانی یک ملت مردم پریشان بهت زده نایج که دند انجام آزادی دوره تراری را در عین اظهار برادری در دفتر بدتخیلی جاره ایرانی مبت نموده بعد از آنکه امتد اظهار با دل خوشی و معصاف با یک و بنا به پیش شد ملتفت شدیم که هر چه باگنشد فقط قول بود بدون فعل در حالیکه

قول را فعل لازم است

گفتیم قوشون اراد دولت روس خلاف پسپلین نظامی حرکتی کرده یا خود سری نموده اند جاہل و بی تربیت در هر قومی وجود دارد ولی سیاستون و زمانداران فعلی دولت روس مطابق پرگرام و اعلانات رسمی خود تمام دنیا بیان حکومت روسیه را بتسلک دموکراسی و ترک رویه جهاگیری حکومت سابقه و حمایت اقوام ضعیف و محافظت مل مظلومه نهاده غمقرب با صاف و بران جنایت دوره تراری است اسامکار بهای اخره

قون افکار گشته خود خانداده تجلیه ایران
و حکیم مانی اخوت و ایام جریحه قلبت ستمگان
ایرانی گذرات قلبی همه را مرتفع و غالب اجناس
صمیمانه ملت ایرانیه شوند.

انفوس نامین آرزو و نایل مکر و بد هم سهل
است ز ادنی الظهور نغمه آخری باود آتی
باتفاق دولت حق کس انگلیس برای درخوا
حقوق کیسیون مخلط موهوم دولت ایران
مقدم داشته واضح نمودند که تمام مبراهما
و کلیه ملکها بیکه سبیران گذشته بدولت
دولت ایران وعده دادند پاس عملی
نداشت بلکه قول بود بدون عمل و صورتیکه

قول رافعل لازم است

ملاقات اخیره صاحب منصب روس
دیناریکلاویچ ، بانامه گان بنیت اتحاد اسلام
در شماره نهم جنگل بعضی قاریین رسیدند
واضح است این ملاقات نیز برای تشبیه
مبانی و داد و دوستی و اخوت بوده .
متعاقب موعیده این صاحب منصب محترم

باز می بینیم مجددا قون از روسیه وارد
و بد اخلا ایران انعام میشود هر روز فریاد استغاثه
مظلومین قزوین و بجدان و ولایات دیگر
ایران گشت با مگر اقلین انداز گوشهای
آتش و بیگانه است متصل غارت و دگان
ایرانی از مصارد امور برای رفع تعذبات نظامیان
روسی استرعام میکنند ، لایق قطع ناله بیچارگان
آواره از خانمان و لهای شتمین را کیست
بناید با نظهای سر اسر سید وزیرای و کورانی

روس با نوبدهای گوناگونیکه از احزاب نظامیان
روسته با داده میشود متاخرانه بی مهم فشار
نظامی و پلیسی روز افزون امتیازات
مشور که در عیاب مجلس شورای ملی و بر خلاف
رضای ملت ایران از چند نفر وزرای خائن
گرفته شد مجوسی شده ، بعضی جهت قون
بر عده آنها میفرامند و بیاد داشت جدید
جدید اجناس استقلال مارا تهدید میکنند
گویا اصلا در مقام دوستی عمل را لازم ندانند
قول تنها را کافی میدانند در حالتیکه :

قول رافعل لازم است

در عوالم و داد و درایت کجایی مقتضی نمیدانم
که برده زراکت را بالاراده ای با واقعات
ناگفتنی را بگویم و جمع حوادث جاریه را با جز
ئیات آن مطرح نمایم زیرا همه وقت تسلیم
داشته ایم که ملت روس نجیب و نبت
بایران همه وقت صمیمیت و صداقت ظاهر
نموده و بنمایند لیکن در زمانه فخر متحده فخلیه حلو
و موکراسی روس بعضی کیفیات پرازد اسرار
نظا هر نموده و برخی مقامها از روزنه آوزوهای
دیپلوماسی عرض اندام مینماید که نه ابرایان نقطه
بروز چنین مرموزاتی بستند و نه حاضر حال
حریت پرور روسیه راضی میشوند غلبت
من که جنگل وی بهره از اطلاعات بیانیه
مستم باید اعتراف کنم که از محل این معما عاجزم
بقیای وطن پرستان حاس و عالم روسیه
که از همه چیز آگاهند خواهند باقی این راز
اقدام کرد و مثلا کراسف قونول سابق روس

مقیمت یافته افعال فالنامه خود که در بار مستنده
 روس نیز از او منصرف شد شعبه آسیانی وزارت
 خارجه روستیه منصوب گشته اثرات یک همچو
 انجالی محتاج تشریح نیست .
 بادداشت رابع کمپون مختلط موهوم بدو
 ایران تقدیم میشود منتقل بعدة قشون در ایران
 افزوده در این سال که خشکالی و نقصان زرا
 ایرانیان رقت خیز است و تحصیل آذوقه خود
 قادر نیستند با اینهمه نفقات عسکریه در سبب باید
 آذوقه داده یعنی آخرین مقدار قوت یومیه خود
 بزور سه نیزه و شمشیر باید تسلیم دارند بعلاوه
 غارتها و خرابیها جهت پذیرانی از مسلمان محترم با
 کمال حسرت باید از گرسنگی تلف شوند با اینهمه
 فداکتهای موجوده که بر ملت روستیه نیز پوشیده
 نیست و با اطلاع کاملی که از دسایس انگلیسها
 جهت بقای قشون روس در ایران و آزارهای
 گوناگون آنها دارند و با بهر روی و صمیمیتی که از
 اجراء و دیگر اسی روستیه اظهار میشود و با اینکه
 حس کرده اند که بقای قشون در این ملکیت
 حواب باعث ضرر و خسارت بخود و خرابی بقیه
 آبادی ایران خواهد شد و منجمد انگلیس میرد
 معین در اختتام این فداکته اقدامی نشود جای
 حیرت است .
 همین پیچ و خمها ، همین تربیات غیر منطقه
 همین حوادث جاریه بلاشبه با حق میدهد
 که اقوال و داستان برادران حریت پرور خود را
 با کمال معذرت تحت نظر وقت آورده و
 بانظار عمل باقی بمانیم و بگوئیم که قول تنها مکنی

نیت بزرگ
 قول رافعلازم است

ما از روستیه آزاد چه انتظار داریم ؟
 ما منظریم روستیه آزاد زیاده بر این التاجری
 انگلیس شده ایر از ازی که خود شکنیه نماید
 ما منظریم روستیه دموکراسی ما را از طرف
 شمال آسوده گشته تا افکار و اعمال عناصر
 فعال با برقع مدخلات حق شکنانه انگلیس
 مصروف شود .
 ما منظریم روستیه متحد و بعلاوه اینکه موجوده
 باین نکته بوده که در سوتی قشون ایران بدو
 دارایی منفعتی نخواهند بود بالعکس فوائدش
 تمامه عاید بر بیانیهای مکار میشود باین سبب
 نیز توجه نمایند که بقای قشون روسی با ضایع
 خرابیهای دیگر تعجیل و تعلای موجوده افزوده
 هزار بار و نایکه مستی آنان مطاول همین میان
 برآوردت از گرسنگی تلف خواهند شد .
 ما منظریم روستیه آزاد بر جهت قشون خود
 ما را از یکطرف راحت نموده که تا انگلیس محاسبات
 سوء خود در جنوب کاملاً موفق نشده قادر بکلوبگری
 و دفع تجاوزات او شویم .
 ما منظریم روستیه آزاد با لغای امتیازات مشرئنه
 قدیمه و جدیده و تجدید نظر در مواد مضرتیه مسابله
 سابقه و لاحق و ابطال آنچه باینیر که حاجی استغلال
 ما است بلکه بسا عدتهای عملی ما را معاودت
 کرده تا نگذاریم انگلیس ایر از ما نماید سایر
 قطعات مستملکه خود نیز بخراسارت مقید نماید .
 بالاخره ما منظریم که روستیه آزاد عجالتاً متمم

خوابها بیکه قدما و جدیده از قشون و دولت روسیه با و اردش اقدام نموده و بقول تنها در دوستی اکتفا نماید بلکه با عمل برابر شود

کند زیرا در همه حال :
قول را فعل لازم است

با یک دنیا احساسات آمیخته با محبت قلبی مملو از اطمینان عملیات دموکراسی و تجدید پروان شرافتمند روسیه که در همه حال بجهت نظرشان حفظ استقلال ایران و حمایت ملل مظلومه است تقدیر میکنیم و میدانیم که با چه پایا و روز با مشکلات حیرت انگیز مصافق هستند ولی چنانکه دیگر طاقت تحمل و توانایی صبر نمانده ثروت، تجارت، امنیت، و همه لوازم زندگی برای توقف قشون همسایگان در ایران معدوم شد سهل است فحطی همه را تهدید بهلاکت می نماید و دولت انگلیس نیز موقع انقضا دانسته دست و پای ایرانیان را بیقای قشون روس مقید کرده و در کمال سرعت مشغول اجزای نفع و خیالات خود میباشد.

واضح تر بگویم : دموکراسی روسیه اگر در این خیال باشد که بعد از موفقیت با اصلاحات داخلی خود و ختم حربین عالم سوز جانب بین المللی تا سپردار و دیگر ایران باقی نماند و هر مقداری هم که باقی ماند با بساطی که انگلیس در ایران چسبیده باید به بقیه نیز فاش شود و این صورت تکلیف دموکراسی روسیه درباره باجیت و باز او چه میخواهیم؟

یک حرف حساب یک کلمه مطابق عدل و انصاف و یک حق مشروعی که همه مفسدین عالم با تصدیق مینمایند ما را بسا و گذارند بیطرفی ما را محترم شمارند . . .
خیلی بعید است که بگوئیم دولت آزاد روس ضامن جنایات در باز ظالمانه تزاری است لیکن ترمیم خوابهای آن دوره منحوسه و جلوگیری از خوابهای فحطیه را که هنوز دامنه اش در ایران امتداد دارد و بقیه در عالم دوستی باید عهد وارشوند .

دولت روسیه هر قدر بقای قشون خود را در ایران تعجب کند فقط فایده انگلیس و خسارت روس و خرابی ایران کم کرده پس در این حالت تکلیف چیست همان و از آنکه قبلا ذکر شد : مساعدت و پشتیبانی و تطابق قول را فعل لازم است :

قول را فعل لازم است ؟
آیا دموکراسی روس از نیات انگلیس بخرند ؟
آیا پشتیبانی جدیدی در آنها متقد شد ؟
آیا پرگرام عملی انگلستان محور روسیه و البته بلع تمام کشور آسیای غربی ؟
آیا با رژیم و سانس بر میانیمای حقش در حجاب غفلت و جهالت همه ما باید مستور باشد ؟

دولت انگلیس در بار مستبده روسیه راجحی خیالات خود در ایران قرار داد و این ترتیب روسیه را منفرار بر انبان و خود را محبوب و دوست جلوه گر ساخته فایده عاید و نفرت و وبال

برای روسیه ماند .
 با اینکه حقایق باز از آن مکتوف گشته عارف
 و عامی میگویند که سبب تدویر و ریاضی کاری
 بریتانی روی آب افتاده عجا باز هم حکومت
 و موکر اسی بر روسیه مثل در باز بسته قدیم
 در دریای نیرنگ او جاب و اسرگردان است
 انگلیس نخوتی داشته که با وجود نظامیان روس
 ایرانیان بجهاتی که بر همه واضح است قادر
 با اصلاحات نخواهند بود باین جهت ادامه
 این توقف را هر قسمی است فراهم کرده تا پلیس
 خوب را موفق نشود و آرزوی خود را انجام ندهد
 از آن بهتر نمی که ممکن است قشون روسیه را
 خارج دایران را از مضم رابع بگذرانند .
 بعد می که اطلاعات ناقصه ما اقصا کند
 باز از آن که معلومات محدود ما وفا نماید و
 بمقداری که ورق پاره نگنجایش داشته باشد
 در کشف حقیقت امور و وسایل انگلیسها اقدام
 نموده با یک عالم امید از و موکر اسی روس
 تقاضا میکنم که با توضیح نیات انگلیسها در
 ایران تجلیه قشون خود و برابر مودت
 ما را معاودت نمایند که توانیم تا فرصت از
 دست زفته سستی مقابل سلیهای طبیعت
 تجاوز کارانه دولت انگلیس کشیده باشیم باز این
 تعلیقات صمیمانه ما را از انتظار رمانند و ما
 که بهر حال دوستی قوی کافی نیست عمل شرط
 است زیرا افضل لازم است
 - انتهى -

مکتوب شهری
 بی حسی تاکی
 جلب نفع و دفع ضرر نه تنها از نفعات انسان
 است بلکه حیوانات نیز واجدین و دیده الهیه شده
 عجا ما ایرانیان امروز بقدر حیوانات از این
 صفت طبیعی بهره نداریم .
 نمیگویم امروز همان احساسات و غیرت و سزا
 و تکامل سایر چیزهایی را که اقوام سیره دارند
 باید دارا باشیم مسلم است علم میخواهد مرتبی میخواهد
 بهت میخواهد بالاخره همه چیز میخواهد این هم چون
 تحصیلش بآسانی ممکن نیست یا وقت لازم دارد
 فعلاً از ذکرش میگذریم لیکن چیزی را که هر موقع
 اراده کنیم ممکن است بموقع اجرا بگذاریم یک
 مطلب خیلی آسان و یک کار بسیار ساده است آن:
 جلب نفع و دفع ضرر است
 اینها را از مشوره قدیمه و یا اینها را از آنکه یکی نفع
 وزیر میرف از موقع سخن ایران استفاده نموده
 بنحوشتاریا و مسائل آن داده اند لغو کردن بقول
 ... محکم با صلاحیت یا تذکرات دیپلوماسی
 میخواهد حرفی نداریم، اما مسافرت و صلح الی تجاره
 با خط این سر بازار با کرایه کراف و کور کور است
 میرفت کار آنان شدن و با کمال شایسته عمل
 آخرین دینار از بقایای رشوت ملی را بکسب نمی
 که برخلاف قوانین جاریه ملکی بجهت اعتباری گرفته
 ریختن آبا بر بود به تذکرات دیپلوماسی است ؟
 یا راجع بجنس و غیرت الهی ؟
 در این صورت نباید گفت که از حیوان بدتریم ؟ زیرا:
 جلب نفع و دفع ضرر

حیوان عقیده و مانی بهره ایم !
 خوشتر یا امتیاز راه آهن برابر از محمد نیکان
 تکابنی سپهسالار سپاه عارت مملکت گرفت
 دلخوش شدیم بر امتیازی که بدون تصویب
 مجلس شورای ملی گرفته شود با معذرت آقایان
 محترم، عاطل و باطل و از درجه اعتبار ساقط و در
 نزد انماهی شرع انور غیر مسموع خواهد بود و غیرت
 ملت میدارنده از دولت عاده مشروطه
 مرحوم را خوشگوار دولت هم امر با محابات
 نموده دارالشورای کبری تشکیل دکایی این
 و متوجه بکرتسی دکالت جالس بعد از محال
 محال نیست غمخواری ملت را نموده ابطال این
 امتیاز و سایر امتیازاتی میدهند البته
 خوشنایا و امثال او خارج این قسمت بزرگ
 منافع مملکتی عاید ملت خواهد شد !
 اما حالتی که دارالشوری تشکیل شده با آرزوی
 افتتاح آن که (آرزوی بچوانان و عیب نیست)
 روز میگذرانیم در این مدت نباید بقدر ذره
 حس ملی ظاهر نموده با این مایشین مسافرت
 نکنیم مال التجاره بدیم باز برابر گرایه باین
 گرانتری زدیم ؟
 قدری با جانب بفرماییم که امتیازات غیر قانونی
 قبول نداریم . آیا مجلس شورای ملی قیام این
 امر بخصوص باید باشد ؟
 و هنگام اسراف بند دست ما گرفته بفرود
 ما تعلیم بدید که :
 جلب نفع و دفع ضرر
 حیوان هم دهنه و شما بقدر حیوان هم میدانید !

کسانی که بخار و مسافرت کرده اند یا راه آهن
 شاه عبدالعظیم طهران را که آنهم مال اجنبی است
 دیده اند متوقفند که گرایه مایشین برای هر نفر
 باز کرده شاهی الی کیقوان و مال التجاره هم با حرج
 نازل حمل میشود
 بدینجا از این خط هنوز کاملاً بکار نرفته بود
 مردم بقدری سختی و حرص در سواری آن ظاهر
 کرده که در اول امر از هر یک مسافرتی یک
 پنجران و صره دو سه توان گرفته اکنون هم
 میگیرند عقیده داریم اگر یک تومان مطالبه
 کنند میدهند ابد احسن نمیکند که نباید داد
 و بجای آنکه اجانب را نباید بر نمود !
 صرف نظر از اینکه جمع کثیری از انماهی وطن
 بیکار با عیاله خود گرسنه و بی نان مانده اند
 مرد مراغم آن بچاریگان میت ایام خود را
 نباید نخورند ؟
 برای نفع خودشان نباید حاضر شوند ؟
 در حالتیکه :
 جلب نفع و دفع ضرر
 حیوان هم میداند !
 گرایه یک درشکه با پیاز رسته تقریباً در آن
 ممکن است با درشکه مسافرت نمودن و
 از این راه گلی نبعاشش جمعی از بچاریگان
 کردن و خود نیز بهره بردن مگر باعث از یاد
 اجرو جلب نفع نیست یا چند روزی حرکت
 با مایشین را متوقف داشتن تا گرایه را لند
 کرده و مبلغ کلی صرف جماعت باشد ضرر
 خواهد داشت ؟

مظربودیم انالی ملکیت که خرد لاس درک این منسی ورن
 اسراف به تر از خیانت با نمایند ما ستفانه و بدیم کجارتز
 شروع بجمل مال التجاره نموده اند !
 امی آقابان تجار که بجای تاسیس شرکتها با گنجها کار
 خانه ؟ کپا نیها و سایر اموریکه باعث از زیاد شدن
 ملکیت است دلال خارج شده بعلاوه هزاران
 خطایای ناگهشی و غیر قابل جریان با یک رویه
 قیامت آور حتی قوت انالی را بخارج محل کرده
 آخر لاس خود تان و جار خارت و مردم با سخت
 مبتلا کرده و بازم مشولید محض رضای خدا و این
 کار قدری قنیه شود فردا که محل متاع مخیر با واره
 خوشتر باشد و سیل نقلیه محلی از میان رفت
 آنوقت گرایه را بهر سزانی ترقی دهد چه علاجی
 خواهید داشت ؟

آیا این مبلغی که بجا دارد خوشتر یا مید برای کدام یک از
 تاسیسات خیریه شما بد و نخواهد خورد ؟

اگر تاسیسات خیریه مثل همه وقت راغب نباشید آیا عاذه کرایه
 خود فایده ضرر خواهد بود و عظیم نهایی وطن نصایح را قبول نیا
 بکنند بیخیز

اوقات کیلکی

ای کبک مردن در پوزید طبعیل نموده دار سر
 وقت عشق بلا سوختلان بشیدی کار سر
 مناصف مرا به بجه کجه بخور دی می
 غوامت ندای می باموی بار شده
 باغ زرش نداری می بای چشم نداری
 خانه سر خرابه فاکون و با طار شده
 کاشتن و پیش کاون زدن بزربکار کون
 قوت کر کردن خانه خاک پاشی بکار سر
 ناست کون چه مشکله و بین دوباره سخت تر
 قربان بشم بکار پی قنوه خانه بار سر
 ایبه بکار خور میوار باب غومت فاکره
 قوفیه بر آیه کینه بر ساعه پاکار سر
 ارباب اگر در این جا راه نامه تا بهد
 عاشا گنم بدن بیزه که نشسته بود خا سر
 هزار دینیت زنی بر سج از دهانی شتر خم
 شاه کینه خا کینه از باب کوه خا سر
 سرور و نابکار ابو ایبه ارباب برار با تو
 این ملک در بار با مو خاک به انور براب سر
 آزادی در میان با تو کنایه سبب ساری
 کسی نتواند زود کردن کوریشو سواد سر
 آونی و طایع ای کورتم تو مینه کینه کسی گو
 لا بالئش کرفج به تن لبث دارم بر سر
 امشب خروس خواهد بود بر بار کینه سبب
 میدر بنده که خدا کنیا ایسا یم کار سر
 فقه چند بن بن به خوریم و سبب
 رفت بیخه صفر قدان خیر هم نی با سر
 همه کفتم سر سبب صا سر بر سر
 شایع کفتم کوه کوه کوه نشین بر سر

حال که مصترم چنین اقدامی شده که رنگی و بکاری
 جمع کثیری از انجای وطن را اجیت نید مید اقلان
 فرار قطعی در گرایه داده که ضرر یک جمعی است
 نفع شما گشته بجا مانان بصدوق بگایه زود
 امی کسانیکه با این ماشین بگرایه کراف مسافرت نموده
 بی آنکه بجهید چه میکنند قدری غفلت و حسرت را
 بکنون نهاده تلفت شود امروز در اول کاسخچران
 و تفران از هر نفری کرایه میگردد بعد از یکسال که دیده
 در شکله می برای بدبخت برای ضرر و خارت از میان
 رفشد آیا گرایه را دوستاوی نخواهند نمود ؟

واقعات اروپا

در این هفته اخباراتی منی بر ضدت شایان تهیه آقایی مصطفی خان
 نماینده محترم بیت اتحاد اسلام با واره رسید برای منی منجات و فدای
 در پیش از خبرات آیه موکول نموده اولت که انجای منی منجات

برای امروز چه علاجی اندیشه نموده ؟
 خدو ز می مسافرت با ماشین را متروک کرده وض
 نمایند که این راه از رفته تا گرایه را از ران و زار
 قاطعی در این خصوص ندینند .

